دکتر محمد حسین پورغلامی
گروه فارماکولوژی دانشکده پزشکی
دانشگاه علوم‌پزشکی شهید بهشتی

نقش آموزش در کنترل مصرف دارو

مسئله کمبود دارو از بزرگترین مشکلاتی است که گریبانگیر سیستم بهداشتی - درمانی کشور در طی سالهای اخیر بوده و علیرغم تلاش فراوان مسئولین، این مشکل همچنان به قوت خود باقی می‌باشد. علت‌یابی این مشکل نشان می‌دهد که عوامل متعددی در بروز و ادامهٔ این مسئله نقش داشته و دارند، مسائلی از قبیل رشد بالای جمعیت، قیمت بسیار ناچیز دارو، مصرف خودسرانه دارو و بالاخره تجویز بی‌رویه دارو از اهم این علل می‌باشند که متأسفانه تاکنون هیچگاه برنامه‌ای مدبرانه، مدون و پیگیر جهت رفع این مشکلات ارائه و انجام نشده است. آمار و ارقام نشان می‌دهند که فروش ۲۷ میلیارد ریالی دارو در سال ۱۳۵۶ به رقمی بالغ بر ۱۲۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ رسیده است و این روند همچنان ادامه دارد. این آمار نشان می‌دهند که در این سال آنتی‌بیوتیکها و داروهای موثر بر سیستم اعصاب مرکزی به ترتیب ۳۰/۳ و ۱۶/۳ درصد از کل فروش را به خود اختصاص داده‌اند. مصرف بالای آنتی‌بیوتیکها از ویژگیهای کشورهای عقب‌افتاده (از نظر بهداشتی) و مصرف بالای داروهای موثر بر سیستم اعصاب مرکزی از خصوصیات کشورهای صنعتی می‌باشد. قابل توجه اینکه در حالیکه کشورمان در هیچ یک از دو گروه فوق‌الذکر قرار ندارد ولی از نظر الگوی مصرفی دارو ویژگی هر دو نوع جامعه را کسب نموده

● مصرف بالای آنتی‌بیوتیکها از ویژگیهای کشورهای عقب‌افتاده (از نظر بهداشتی) و مصرف بالای داروهای مؤثر بر سیستم اعصاب مرکزی از خصوصیات کشورهای صنعتی می‌باشد.

است. قطعاً این آمار و ارقام تأییدی مجدد بر مسئله‌ای خاص یعنی «مصرف بی‌رویه دارو» دارند.

شاید یکی از واضح‌ترین علل این مسئله رشد بی‌رویهٔ جمعیت و درنتیجه افزایش تقاضا، افزایش مشکلات بهداشتی و بروز کمبودها در این زمینه، افزایش فشارهای اجتماعی ناشی از تراکم جمعیت و ... باشند.

در عین حال که رشد بی‌رویه جمعیت به طور مستقیم یا غیرمستقیم تأثیری چشمگیر بر روند کمبودها از جمله کمبود دارو دارد ولی با در نظر گرفتن این مسئله که مصرف سرانه دارو در ایران بسیار بالاتر از استانداردهای جهانی است، پی‌می‌بریم که مشخصاً عوامل دیگری نیز باید در این زمینه نقش داشته باشند که بی‌تردید مسئله فرهنگ غلط مصرف دارو در صدر این علل قرار دارد.

امروزه درکشورهای صنعتی به اهمیت آموزش در اصلاح ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی و ... پی‌برده‌اند و آموزش صحیح و مستمر را مشکل‌گشای مسائل دانسته‌اند.

آموزش دانشگاهی:

از آنجائیکه پزشکان و داروسازان هر یک نقشی اساسی در تعیین الگوی مصرفی و استفادهٔ درست از دارو دارند و رفتار آنان تاحدودی ناشی از اطلاعات آنان در زمینه علوم دارویی می‌باشد لذا با بازنگری و اصلاح آموزش می‌توان خلاء موجود را برطرف ساخت. با توجه به این اصل که اکثر داروها ترکیبات صناعی شیمیائی و موادی غریبه و غیرطبیعی برای بدن بوده و یا حتی آنان که منشاء گیاهی داشته و یا هورمونها و ویتامینها، تا زمانی جنبه درمانی خواهند داشت که در صورت نیاز و ضرورت، به شیوه‌ای درست و به مقدار مناسب برای مدتی مشخص بکار روند در غیر اینصورت حتی این ترکیبات طبیعی نیز می‌توانند زیان‌آور و در مواردی حتی مهلک باشند. داشتن درک صحیح از پاتوژنز و پاتوفیزیولوژی بیماری و چگونگی اثربخشی داروها در اصلاح آن، رکن اصلی انتخاب دارو جهت درمان می‌باشد. البته در کنار آن هر دو گروه پزشکان و داروسازان باید شناخت کافی از عوارض جانبی، عوارض سمی و تداخلات دارویی داروی تجویز شده نیز داشته باشند. برخی از اقدامات ضروری جهت دستیابی به این هدف را می‌توان بصورت ذیل توصیه نمود:

۱- بالا بردن کیفیت آموزش پاتوفیزیولوژی در رشته پزشکی

۲- تدوین و گنجاندن دورهٔ پاتوفیزیولوژی در دورهٔ داروسازی

۳- بالا بردن کمیت و کیفیت آموزش فارماکولوژی در دوره‌های پزشکی و داروسازی

٤- برنامه‌ریزی و راه‌اندازی دوره‌های فارماکولوژی بالینی جهت دانشجویان پزشکی

۵- برنامه‌ریزی و گنجاندن دروس داروسازی بیمارستانی و داروسازی بالینی در دورهٔ عمومی داروسازی

٦- راه‌اندازی رشته تخصصی داروسازی بیمارستانی و بکارگیری فارغ‌التحصیلان این رشته در بخشهای مختلف بیمارستانی

● بدون شک جهت اصلاح الگوی مصرفی دارو باید به نوجوانان کشور اهمیت ویژه‌ای داده و با آموزش مناسب آنان در زمینه اطلاعات داروئی در دوران دبیرستانی، خلاء موجود را برطرف نمود.

۷- ارائه آموزش تخصصی فارماکولوژی بالینی در رشته‌های مختلف تخصص پزشکی در دوران دستیاری.

۸- استمرار دوره‌های بازآموزی حِرف پزشکی و اختصاص بخشی از آن به آموزش علوم دارویی

۹- تقویت هر چه بیشتر مجلات علوم پزشکی - دارویی کشور

آموزش پیش‌دانشگاهی:

بدون شک جهت اصلاح الگوی مصرفی دارو باید به نوجوانان کشور اهمیت ویژه‌ای داده و با آموزش مناسب آنان در زمینه اطلاعات دارویی در دوران دبیرستانی خلاء موجود را برطرف نمود. اهمیت آموزش در این مقطع در بعضی از کشورهای پیشرفته نیز شناسایی شده و برنامه‌های آموزشی مناسبی در زمینه مسائل بهداشتی و از جمله مصرف صحیح داروها به اجرا درآمده است. قطعاً اهمیت و کاربردی بودن این اطلاعات می‌تواند نقش بسزائی در شناخت صحیح مسائل بهداشتی - درمانی از جمله مصرف داروها داشته و کمک موثری در جلوگیری از مصرف نابجای داروها باشد. جهت انجام این امر، ضرورت دارد که متخصصین با دقت به بررسی نیازها پرداخته و بر آن اساس برنامه‌های مناسب را تدوین نمایند. در این زمینه می‌توان به آموزش موارد ذیل اشاره نمود:

۱- آشنایی با مفاهیم کلی در ارتباط با دارو

۲- اهمیت رعایت دقیق دستورات پزشک و داروساز در چگونگی مصرف دارو (شیوه، مقدار،

زمان و مدت مصرف)، مصرف همزمان داروهای دیگر؛ شرایط نگهداری داروها و ...

۳- خطرات ناشی از مصرف خودسرانه دارو

٤- اهمیت ارائه اطلاعات دقیق به پزشک و داروساز در زمینه بیماری یا مصرف داروهای دیگر

۵- آشنایی با واکسیناسیون و اهمیت آن در پیشگیری از ابتلاء به بیماریها

٦- اهمیت تنظیم خانواده و مسائل مربوط به آن

آموزش عمومی

آنجائیکه بیشترین مشکلات جاری مربوط به مصرف بی‌رویه دارو ناشی از عدم آشنایی و وجود باورهای غلط نسبت به اثربخشی یا عوارض جانبی - سمی داروها در مردم عادی می‌باشد لذا آموزش صحیح در این زمینه می‌تواند نقش موثری در اصلاح فرهنگ موجود و بالطبع تغییر الگوی مصرف گردد. در این زمینه باید با شناخت کافی از فرهنگ حاکم بر جامعه و با طلب کمک از متخصصین روانشناسی، برنامه‌ای موثر و مستمر را تدوین و به اجرا درآورد. در راستای اجرای این برنامه و انتقال پیام‌های مربوطه از رادیو، تلویزیون، جراید و تابلوهای عمومی باید حداکثر استفاده را نمود. در این مورد نیز مطالب آموزشی باید دربرگیرندهٔ کلیه جوانب مرتبط با مصرف دارو باشد. البته با توجه به ناهمگنی موجود در جامعه از نظر سنی، فرهنگی، سطح سواد و درک و یادگیری، محتوای آموزشی باید با دقت و توجه بیشتری طراحی گردد.

علاوه‌بر موارد فوق‌الذکر در جهت تقویت هر چه بیشتر برنامه‌های آموزشی در رفع معضلات مربوط به مصرف بی‌رویه داروها تمهیدات دیگری نیز می‌توانند ثمربخش باشند که از جمله این اقدامات می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- راه‌اندازی مراکز اطلاعات دارویی در سطح کشور جهت ارائه خدمات علمی در زمینه علوم دارویی

۲- جمع‌آوری اطلاعات مربوط به الگوهای مصرف (کیفی - کمّی) از سراسر کشور و بررسی، آنالیز و مقایسه این اطلاعات به منظور ردیابی شیوع بیماریهای خاص منطقه‌ای و تدوین برنامه‌های لازم در جهت رفع آن

۳- ترویج و تأکید هر چه بیشتر بر برنامه موفق واکسیناسیون در سراسر کشور خصوصاً مناطق دورافتاده و محروم

٤- ارائه آموزش عمومی مستمر از طرق و شیوه‌های مختلف در زمینه مسائل بهداشتی تنظیم خانواده و اهمیت آن در کاهش کمبودها و مشکلات خانواده

۵- تاکید براهمیت پیشگیری، نقش بیماریزای دخانیات، یا ارتباط مصرف بی‌رویه بعضی از مواد غذایی مثل مواد قندی، نمک، چربیهای حیوانی با بیماریهای قلبی - عروقی

نتیجه گیری:

مسئله‌ای به نام «مصرف بی‌رویه دارو» وجود دارد. این مسئله موجب بروز مشکلات بهداشتی - درمانی و اقتصادی متعدد و جدی گردیده است. علل مختلفی را می‌توان در بروز این مسئله دخیل دانست. شاید بتوان یکی از علل اصلی این مسئله راکمبودهای اطلاعاتی در هر دو قشر تجویز کننده و مصرف کننده دارو دانست. رفع این مشکل در گرو برنامه‌ریزی مناسب آموزشی و بالا بردن سطح آگاهی نسبت به امر دارو می‌باشد. طراحی، تدوین و اجرای صحیح این برنامه درکنار ارزیابی مداوم و ایجاد تغییرات احتمالی لازم قطعاً منجر به تغییر الگوی نادرست مصرف و رفع یا تخفیف مسئله‌ای به نام «مصرف بی‌رویه دارو» خواهد گشت.